

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن - المان، آگست ۲۰۰۰م

شَل و شُت

امشب دلم ز لعل لب او غسل شده
از بسکه از لبش طلب بوسه می‌کنم

یعنی که یک دو بوسه گک بی‌خلل شده
یار از شنیدن سخن من گسل شده

نبود خــــللی پذیر بنای محبتم
گرچه درین زمانه همه پر خلل شده

او بر سریر ناز نشسته است و اشک من
جاری به پیش پای سفیدش چو نل شده

از گرمی محبت آن سیمبر به من
بنگر چه آتشی به دل خلق بل شده

سرنامه شکایت عشاق در غمش
بالله که چند دوسیه و پارسل شده

بسیار تلخ و تند شنیدم ز مردمان
صدبار، ریز بر سر من مثل جل شده

چون کوه صبر با همه بر خورد کرده ام
صبر و گذشت من به عزیزان مثل شده

برخیز ای رقیب ز بزم نشاط او
کز چهره تو محفل دلبر چتل شده

درد و غم وطن به دلم خانه کرده است
غمنامه فراق، دو چندان دبل شده

گرچه یگانه قدرت دوران بود و لیک
نافش به خاک توده افغان ختل شده

این لقمه بزرگ دهن پاره می‌کند
نشیده است، روس چسان حل و مل شده

هرکس که باز روی طمع پیش کرده است
در قسمتش خجالت و مرگ و اجل شده

درد دل «اسیر» رسیده به دست و پا

در بستر افتاده و بیچاره شل شده